

## پدیده‌های شعری در چهل اسرار میر سیدعلی همدانی

### ♦ صالحه رشید

آفرید آن مرد ایران صغیر      با هنرهای غریب و دلپذیر  
خطه را آن شاه دریاآستین      داد علم و صنعت و تهذیب و دین  
سیدالسادات سالار عجم      دست او معمار تقدیر امم

بیت‌های مذکور از گفته‌های شاعر معروف اقبال لاهوری است که در باره میر سیدعلی همدانی سروده و در جاویدنامه یافت می‌شود. این تذکر سرسری نیست، بلکه اقبال آن جناب را از سر باور به‌عنوان شاه همدان معرفی نموده است.

آن سوی افلاک، حضرت شاه همدان امیرکبیر سیدعلی همدانی، که حضرت شاه ولی‌الله محدث دهلوی او را این گونه ستوده گوید:

نهالی از گلستان محمد<sup>(ص)</sup>      چمن‌آرای بستان محمد<sup>(ص)</sup>  
دم تیغ علی المرتضی هست      فروغ‌افزای شمع فاطمه هست  
(تحفة‌الامیر)

به‌وسیله بیت اقبال معلومات عمیق از این انسان بزرگ که احیاءکننده هویت اهالی کشمیر است به دست می‌آید، و کلام وی نشان می‌دهد که اقبال با چنین ابیات بلندی شأن و مقام شاه همدان را گرامی داشته است. این بزرگ، فردی است فوق‌العاده که هویت و فرهنگ و دین و مذهب کشمیر را در زمانی ادعا و دفاع نموده که این کشور با تهاجم نیروهای بیگانگان روبه‌رو بود. کشمیر اگر امروز فرهنگ و هویت و ارزش‌های

اسلامی خود را حفظ نموده است، سهم بزرگی از آن متعلق به نابغه اسلام و ایمان و خداپرستی سید میرعلی همدانی است. آنجناب نه فقط تعلیمات اسلامی را در سراسر کشمیر تبلیغ نمود، بلکه به آن‌ها شکلی متعین داده، برای نسل‌های بعدی حفظ نمود. کشمیری‌ها از شخصیت آنجناب تأثیر بسیار گرفتند. نه فقط مسلمانان بلکه اقوام دیگر نیز شامل این گیرایی بودند. این نفوذ سرسری نبود، و به ویژه راجع به تاریخ و فرهنگ و تمدن و ادبیات کشمیر تأثیر بسیار به جا گذاشت. بیشتر کوشش میر سیدعلی همدانی در کشمیر در جهت تشویق مردم به اسلام‌گرایی بود. پروفیسر غلام محمد آنجناب را مجموعه کمالات، مجتهد همه‌جهت، مبلغ، داعی، مصنف، قانون‌دان، فقیه، ماهر شریعت، غواص بحر طریقت، شهباز افلاک روحانیت، و کثیرالتصانیف خوانده است.

از کوائف زندگانی ایشان به دست می‌آید که در سال ۷۱۴ هجری (۱۳۱۴م) ۱۲ رجب در همدان ایران چشم به جهان گشود. پدرش سید شهاب‌الدین از سادات علوی بود، و مادرش فاطمه نسبش به حضرت رسول<sup>(ص)</sup> می‌رسید. به خردی زانوی تلمذ به پیش خالواش ته نمود. کلام پاک را حفظ کرد و علوم متداوله را یادگرفت. به سلک تصوف قدم گذاشت و شیخ ابوالمیامین نجم‌الدین محمد بن محمد آزانی را پیروی نموده، صوفی طریق کبرویه بود. شیخ شرف‌الدین پیر طریقت وی بود. بنا بر گفته شیخ، میرعلی بسیار سفر اختیار نموده و حدود ۲۱ سال به سفر گذاشت، و با صوفی‌های جهان تلاقی نمود. سه بار به حج بیت‌الله مشرف‌گشت. سه‌کرت وارد کشمیر گردید. اول زمان سلطان شهاب‌الدین به همراه ۷۰۰ نفر از مریدان خویش در ۱۳۷۲م به آنجا رفت و شش ماه اقامت داشت. دیگر در ۱۳۷۹م به عهد قطب‌الدین یک سال تمام آنجا مانده در سراسر کشمیر به اسلام‌گرایی پرداخته بود. بعد از آن به راه لداخ به ترکستان مراجعت نمود. سال ۱۳۸۴م آخرین بار سفر کشمیر اختیار نمود و خواست که به مقصود خودش که اسلام‌گرایی سرتاسر کشمیر بود، نایل آید، ولی موفق نشد. وی در راه مریض شده به راه کنار به پیکه‌لی رسید و شش ذی‌الحج ۷۸۶ هجری مطابق ۱۹ ژانویه ۱۳۸۴م چشم از جهان فروبست. مقبره‌اش در تاجیکستان واقع است. میر سیدعلی همدانی علاوه بر تصوف صاحبان انواع صنایع و حرفت‌ها را به کشمیر برد و آن صنایع و حرفت‌ها را در

آنجا رایج ساخت. وی زیاده از ۱۷۲ اثر منظوم و مثنوی به فارسی و عربی از خود به یادگار گذاشته است. برخی از آثار او از این قرار است:

ذخیره‌الملوک: حاوی مسایل سیاسی است.

اوراد فاتحه: وحدانیت خدا را بیان می‌کند.

رساله مکتوبات: نامه‌های شیخ را مجتمع کرده‌اند.

غیاث المکان: نتیجه فکری شیخ است.

چهل اسرار: مجموعه غزل‌های عرفانی شیخ که در حمد و نعت است.

قبل از آن‌که شعر میر سیدعلی همدانی را مورد بحث قرار دهیم، توجه شما را

به چند نکته جلب می‌کنم:

خراسان که کانون فرهنگ ایران بود و مدارس و کتابخانه‌های متعددی داشت، در حمله غزان و سلاجقه آسیب دیده بود. وقتی سلاجقه روی کار آمدند به شعر و شاعری التفاتی نداشتند، ازین رو قصیده که وسیله مدح بود، عقب نشست و غزل که وسیله عواطف احساسات بود، رواج یافت. سلاجقه به صوفیان امتیازهایی دادند. در اکناف و اطراف ایران خانقاه‌های متعددی تأسیس شد. صوفیان نخستین بار بعد از هلاکت حلاج جرأت پیدا کردند تا افکار خود را آشکارا منتشر سازند. ازین رو عرفان وارد ادبیات فارسی شد. مغولان در اوایل قرن هفتم به خراسان حمله می‌کنند و بعد به تدریج به نواحی دیگران می‌رسند و به نظام اقتصادی و کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب‌های عمده می‌رسانند. خراسان که قبلاً در حمله سلاجقه و غزان آسیب دیده بود، این بار یکسره متلاشی می‌شود. فضلا یا کشته می‌شدند یا به هند و آسیای صغیر می‌گریختند. شیخ میر سیدعلی همدانی یکی از آن‌ها بود که با هفت صد تن از مریدان خویش وارد کشمیر شد. خانقاه‌های متعددی توسط آنان بنا شده، که از آن میان خانقاه مولا، در کنار دریای جهيلم هنوز برجای مانده است. دربارهای متعدد کوچک و بزرگ که محل اجتماع شاعران و دبیران بودند، یکی پس از دیگری از بین رفتند. ارتباط فضلا با کتب قدیم قطع می‌شود و اساتیدی برای تربیت شاگردان باقی نمی‌مانند. روحیه ایرانیان شکست خورده و احتیاج به سخنان آرام‌بخش داشتند و این‌گونه توجه‌ها به امور اخروی مبذول گشت. دنیا را هیچ و پوچ انگاشتن رواج گرفت، که بیشتر شیوه تصوف است. با

بیان دیگر عرفان به قالب غزل نمودار شد. از شاعران قرن ششم هم که در سخن آنان مطالب شرعی و عرفانی و به‌طور کلی معنوی دیده می‌شود، سنایی و خاقانی و نظامی معروفیت دارند. سنایی نخستین شاعر بزرگی است که عرفان را به طرز وسیعی وارد شعر کرد و کتاب مستقلی نیز در این باب موسوم به *حديقة الحديقة* و *شريعة الطريقة* پرداخت. باید توجه داشت که عرفان اولیه حتی در قرن ششم چیزی است میان عرفان و شریعت؛ یعنی شعر این دوره شعر شرع است، نه آن شعر عرفانی به‌کمال‌رسیده‌ای که بعدها در آثار مولانا و حافظ دیده می‌شود. شعر این دوره دو مختصه دارد: عرفان و رواج غزل. در عصر سلجوقی یعنی قرن ششم سه دبستان شعری رایج بود، مکتب قدیم خراسانی، (غزنین)، مکتب نو عراقی (اصفهان)، مکتب آذربایجانی (شروان). از این سه، مکتب نوین عراقی خردک خردک قوام و تشخیصی یافت. از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم رواج داشت. سبک عراقی در اصل سبک غزل است و غزل به دو شاخه مهم عارفانه و عاشقانه تقسیم می‌شود. در قرن هشتم شاعران به سرآیدن این دو نوع غزل می‌پرداختند. در شعر عرفانی شعرا دیگر از شرع و پند و اندرز و اخلاق که در قرن ششم مرسوم بود، دور شده بودند، و حتی به آن مسایلی افزودند که در عبارات مشایخ قدیم سابقه نداشت. مسایل مهم عرفانی مطرح در شعر این دوره عبارت است از: وحدت وجود، تفوق عشق بر عقل، مسایل تجلی و ظهور، ستایش شراب و بی‌خودی و بی‌خردی همراه با شعری درون‌گرا و عشق‌گرا.

میر سیدعلی همدانی در کتاب *چهل اسرار خود*، غزل را به عنوان وسیله ابراز عواطف و احساسات به کار آورده است. چنان‌که قبلاً گفته شد دو مشخصه مهم شعر در کشمیر یکی نفوذ و بسط عرفان بود و دیگری پیدا شدن و رواج یافتن غزل. میر سیدعلی همدانی هم شاعر غزل است. نسخه *چهل اسرار* میر سیدعلی همدانی که دکتر محمد منور مسعودی مرتب کرده حاوی بر ۱۴ غزل است. شعر او از نظر فکری شعری است شاد و عاشقانه در توصیف محبوب واقعی و بندگان او. عمده مطالب آن غزل‌ها همان ستایش محبوب واقعی و عشق و علو مقام معشوق است. به نظر او بنده عشق از سلطان والاتر است. کسی که فریفته آن روی شد، در طلب بهشت نیست، و بدین جهان نمی‌پردازد. غزل اولی که در آغاز *چهل اسرار* دیده می‌شود پانزده بیت دارد، اینک

نمونه‌وار چند بیت از آن را نقل می‌کنم:

ای گرفتاران عشقت فارغ از مال و منال      والهان حضرتت را از خود و جنت ملال  
مفلسان کوی شوق را غلامی کرده چرخ      سالکان راه وصلت را دو عالم پایمال  
باده‌نوشان غمت داوود و معروف و جنید      جان‌فروشان درت عمار و سلمان و بلال

میر سیدعلی همدانی در تمامی غزل‌های چهل اسرار به چنین مطالبی پرداخته است. وی غزل‌های لطیف و صوفیانه‌ای سروده که مورد توجه مردم است. هرچه گوید منتها آن هستی واقعی است، و ابراز فضایل خودش نیست. به الفاظ دیگر مقصودش خدانمایی است، نه خودنمایی. وی می‌گوید:

بلبلان نغمه تسبیح در بستان غیب      وحده گویان به زیر گلبن باغ وصال  
طوطیان طارم علوی برآورده ز جان      نعره‌های ما عرفناک ای قدیم ذوالجلال

عمده مطالب عرفانی که از سخنش پیداست، ستایش عشق، توجه به دنیای درون، علو مقام معشوق، هیچ و پوچ انگاشتن جهان، غم‌گرایی، فراق و وصل، زبونی ذات خود، توجه به معارف اسلامی، قضا و قدر و ازین قبیل است. تفکر دینی را به هر حال دفاع کرده است. نام پیغمبران و اولیا به شعرش مکرر آمده. استغراق او به توحید و تصوف قابل توجه است. حس و حالی خاص در شعرهای وی موج می‌زند. به لحاظ عاطفه و احساس غزل‌هایش شاخص و برجسته به نظر می‌آید. ذوق عرفانی او به شکل عاشقانه به اوج رسیده است. همدانی تخلص علی یا علایی را پایان هر غزل خودنوشته است. برخی از نمونه‌های شعرش را اینجا می‌آورم.

عارفان وصف تو مغبوط اشراف ملک      مدبران درگهت سرگشته در تیه ضلال  
آتش از لطف گلستان گشته در پیش خلیل      خورده نمرودی به قهر از نیم پشه گوشمال  
در تمنای وصال شد علایی جانفشان      تا چه خواهد دید آخر زین تمنای محال

یکی از نکات قابل توجه شعرهای میر سیدعلی همدانی گرایش و تمایل او به واردات قلبی در شعر است. عاشقان ناله‌های جان‌سوز در نهران دارند و هرچند به ظاهر می‌خندند، در نهران می‌گریند و زاری می‌کنند. ایشان منتهای عشق را باعث تطهیر روح می‌داند. غم‌گرایی جابه‌جا در شعرش یافت می‌شود.

تا چند و چند عشقش دارم نهانی در جان      پنهان چه دارم آتش چون دود نیست پنهان

چون نیست درد عشقش دارو پذیر پس من      بیهوده چند پیویم در آرزوی درمان

حجاب خبث تن از ماه روح می‌خیزد      اگر ز آتش عشقش یکی شرر یابی  
 علایی از در امید رخ متاب دمی      ز فیض رحمت عامش مگر اثر یابی

غزل‌هایش به لحاظ محتوایی ریشه به فلسفه «همه از اوست» می‌دارد. مقداری از اصلاحات تصوف را گاهی به تصریح و گاهی به اشاره سخن سخن رانده است، چنان‌که از شعرش پیداست:

هرچه هست آن‌همه آیینۀ ذات دانند      روی مقصود در آن آینه پیدا بینند

چو قطره غرق دریا شد به کلی      همه دریاست آنجا کیف و کم نیست

در محیطی فگنده‌ام زورق      که دو عالم در اوست مستغرق  
 نی ز زورق توان شناخت محیط      نی محیط از وجود آن زورق

اشاره به جانب وحدت الشهود نموده گوید:

در خم زلفش چو پنهان گشت هر پیدا که هست

نور رویش آن نهان در خویش پیدا می‌کشد

ز ننگ خود شده یک‌سوی در حریم شهود      جمال آن همه بی‌چون و بی‌چرا دیده  
 به جانب، کثرت به وحدت و وحدت به کثرت، اشاره می‌کند.

دست غیرت گلخن از غولان نفسی کرده پاک

شب‌نم از صحرای کثرت سوی دریا می‌کشد

غرق شدن به دریای وحدت را لازمه عرفان می‌داند:

چو در دریای وحدت گم نگشتی      از آنت دُرّ عرفان در شکم نیست  
 اگر فانی شوی در بحر توحید      عیان بینی که آنجا کیف و کم نیست

به نظر همدانی حقیقت هستی یکی است و در هر چهارسو جلوه‌گر. بدایع عالم

طبیعی، عشق معنوی و درون انسان مظهر اویند. همه‌جا و همه‌دم موجود است؛ ولی

انسان از شناخت او بیگانه می‌ماند. برای یافت سیر وجودش درون نگریستن، درک نفس واقعی، راهبری پیر و تأیید حق لازم آید پس می‌گوید: «راه مردان گیر و با صاحب‌دلان دمساز شو».

سیر عنقای جلالش که ننگجد در کون طعمه جلوده او بین تو ز هر بی‌جایی

علی هم نام را بنگر که جز او به الله جز محمد رهبرم نیست

تا شدم همچو علی پادشه ملک فنا اسپ همت به سوی ملک بقاست

(اشاره به حضرت علیؑ است)

می در سخن‌های شاعران عرفانی سرا به نوعی به کار برده شده است. ایشان واژه‌های می، مستی، مست، رند، خمار و مخمور را وسیله نزدیکی محبوب دانسته‌اند. ظاهرپرستان را مذموم ساخته زاهد و عبادت‌شان را کاهیده‌اند.

رندان جانفشان که قدم در فنا زنند بر خوان درد هجر صلاهی عنا زنند

چون در ریاض انس شراب بقا چشند خوش تیغ ترک بر رخ دارالفنا زنند

با داغ مفلسی چو علایی خیام عمر بر سدره قناعت اوج غنا زنند

ز ننگ خود شده یکسوی در حریم شهود جمال آن همه بی‌چون و بی‌چرا دیده

علایی از چه شدی مست چون نخوردی می می‌زده مست شود هرکس و تو نادیده

روز بازاری که رندان راست هر دم در غمش زاهدان در عمر خود هرگز نبینند آن به خواب

شعر همدانی نشان از طبع لطیف او دارد. زبان شعرهای وی از سادگی و پختگی خاصی بهره‌مند است. چنان‌که ملاحظه می‌شود شعرش از مایه‌های حرفه‌ای زبان خالی نیست و این خود به لطف سخن او افزوده است. علاوه بر شعر ساده در زمینه بدیع و صنعتی نیز فعالیت دارد. شعر او از انواع جناس و تضاد و تلمیح خالی نیست. در چند مورد از عالی‌ترین و پیچیده‌ترین نوع ایهام استفاده کرده است. اوزان غزلیاتش هم متنوع است.

## تو محرم نیستی محروم از آنی ره نا محرمان اندر حرم نیست

کشتگان تیغ عشقت زندگان جاودان صید شاهین غمت شاهان ملک لازوال  
منجمله زبان و بیان، عاطفه و خیال در شعر همدانی به خوبی گره می‌خورند و  
خواننده را با خود همراه می‌کنند. کلامش تأثیر قابل توجهی بر خاطرها می‌گذارد.  
به این سبب با مرور زمان ارزش‌هایش کم‌نشد و میر سیدعلی همدانی تا امروز شاعر  
شناخته شده‌ای است.

## منابع

۱. چهل اسرار مرتبه م. م. مسعودی.
۲. تاریخ ادبیات ایران، رضا زاده شفق، انتشارات آهنگ، ۱۳۶۹ ش.
۳. تاریخ سلجوقیان، ذبیح الله صفا، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۴. سبک‌شناسی، دکتر سیروس شمیسا، انتشارات فردوس، ۱۳۹۳.
۵. کلیات فارسی اقبال لاهوری، علامه اقبال لاهوری، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۶.